

کارکردهای سه گانه ی فعل در شعر سهراب سپهری

مریم وحیدی ، دانشجوی دکتری ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

shvahidi84@gmail.com

چکیده

فعل کلیدی ترین رکن جمله است و در طی دوره های تاریخی ، تحولات بسیاری پذیرفته است . در دوره های اولیه ی تاریخ زبان فارسی کارکرد دستوری و ساختاری فعل ، بیشتر مورد توجه بوده است، اما در پی تحول و توسعه ی فعل در دوره های بعد، کارکردهای مختلف دیگری هم مورد توجه دستورنویسان واقع گردید. در این مقاله ، سه کارکرد مهم فعل ، ساختاری و دستوری ، معنایی و نحوی ، زیبا شناختی در دیوان اشعار سهراب سپهری به روش کتابخانه ای و به شیوه ی تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت. در کارکرد ساختاری و دستوری ، فعل های ساده و پیشوندی و مرکب به کاررفته در شعر سهراب ، مطالعه گردید و نحوه ی وهدف وی از آوردن هریک از این گونه های فعل ، بررسی شد. در کارکرد معنایی و نحوی (معانی غیرزمان (افعال، همانند (مشاهده ای، توصیفی و تعریفی) اشعار سهراب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در کارکرد زیباشناختی هم به تقدم یا تاخر " و " حضور یا غیاب " فعل از جنبه ی زیباشناختی ، در شعر سهراب پرداخته شد.

کلید واژه : فعل ، کارکرد ساختاری ، کارکرد معنایی ، کارکرد زیباشناختی ، دیوان اشعار سهراب سپهری .

۱. مقدمه

فعل به عنوان مهم ترین واژه در زبان ، در طی دوره های تحول زبان فارسی (فارسی باستان ، فارسی میانه و فارسی دری) دچار تغییر و تحولاتی شده است . این تغییرات شامل ساخت صرفی فعل ، توسعه ی زمان ها و تغییرات شخص و شمار می باشد . فعل در دوره باستان اغلب از دو جزء (یک جزء اصلی + یک جزء پیشوندی یا پسوندی) تشکیل می گردید و فعل ساده به مفهوم امروزی وجود نداشت . در دوره ی میانه ، تعدادی از این پسوندها و پیشوندها یا به عنوان جزء اصلی به فعل پیوستند و یا به طور کلی متروک شدند و از نظر زمان ها (ماضی و مضارع) نیز نسبت به دوره ی قبل توسعه پیدا کرد . بیشترین تغییر و تحول فعل در دوره ی فارسی دری بوده است که مجموعه ای از تحولات فعل را شامل می شود . به عبارتی (زبان فارسی به صورت زنجیری از فارسی باستان تا امروز ادامه دارد و فارسی نوین که به فارسی بعد از اسلام تا به امروز گفته می شود ، دربردارنده ی گونه های متنوعی است .) (باطنی ۱۳۸۰ : ۸) فارسی معیار امروز به عنوان آخرین دوره ی تحول زبان فارسی ، بازمانده ی تغییرات زبانی دوره های سه گانه می باشد . (مهم ترین ویژگی زبان معیار امروز در مقایسه با زبان پیشین ، سادگی آن است و سادگی آن در مباحث دستوری مشهود است .) (سارلی ، ۱۳۸۷ : ۳۳۸) فعل در فارسی امروز، اگرچه از نظر دستوری ، ادامه ی ساختارهای فعل پیشین است، اما نقش های کارکردی گوناگونی را در زبان بر عهده دارد.

بیان مساله :

کارکرد های فعل امروز بسیار متنوع است و صرفاً مختص مباحث دستوری (زمان فعل) و یا ساختاری (

اجزای فعل) نیست، بلکه از جنبه‌های مختلف نحوی، معنایی و زیبا شناختی نیز مورد توجه صاحب نظران واقع شده است. بررسی نمودهای فعلی و کارکردهای مختلف آن در آثار نویسندگان و شاعران گذشته و حال، به غنی سازی زبانی می انجامد و علاوه بر این، ما با کشف معانی پنهان در جملات و نوشته‌های آنان به درک درستی از پیام‌های نهفته در واژگان نشان می‌رسیم.

پرسش‌های تحقیق:

۱- از انواع ساختارهای فعلی (ساده، پیشوندی، مرکب) کدام یک کارکرد بیشتری در شعر سهراب دارد؟

۲- فعل از نظر نحوی و معنایی چه کارکردهایی در شعر ایفا می‌کنند؟

۳- فعل از دیدگاه زیبا شناختی، چه نقشی در شعر سهراب دارد؟

فرضیات تحقیق:

۱- بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که سهراب از فعل ساده بیشترین بهره را برده است و در این خصوص هنجارگریزی‌هایی نیز داشته است.

۲- سهراب سپهری از نظر نحوی و معنایی، فعل را اغلب در معانی مشاهده‌ای و توصیفی به کار برده است.

۳- تقدم و تاخر فعل‌های به کار رفته در شعر سهراب، از دیدگاه زیبا شناختی فعل، حائز اهمیت است.

اهداف تحقیق:

هدف کلی: بررسی کارکردهای سه‌گانه افعال در شعر سهراب سپهری.

اهداف جزئی:

• آشنایی با کارکردهای ساختاری فعل.

• شناخت کارکردهای نحوی و معنایی فعل.

• بررسی کارکردهای زیبا شناختی فعل.

پیشینه‌ی تحقیق:

در بررسی‌های انجام گرفته در زمینه‌ی ویژگی‌های شعر سهراب سپهری، تا کنون کتب و مقالات بی شماری نوشته شده است. اما در خصوص کارکردهای فعلی آن به طور اخص، پژوهشی یافت نگردید. از مهم ترین کتاب‌های تالیف شده در خصوص شعر سهراب می‌توان به کتاب "زیرسپهر آبی سهراب" نوشته‌ی سیما وزیرنیا و غزال ایران دوست اشاره کرد که در آن به تحول فکری و اندیشه‌های سهراب می‌پردازد. کتاب "از مصاحبت آفتاب" نوشته‌ی کامیار عابدی هم به زندگی و تاملاتی در اندیشه‌های سهراب پرداخته است.

حمید سیاهپوش هم به سال ۱۳۷۸ در کتابی، تحت عنوان "باغ تنهایی" مجموعه مقالاتی در مورد اندیشه‌های سهراب سپهری گردآوری نمود. کتابی دیگر نیز به سال ۱۳۸۰ در همین خصوص به نام "معرفی و شناخت سهراب سپهری" به کوشش شهناز مرادی کوچی به طبع رسید که در آن شصت مقاله از نویسندگان مختلف در باره‌ی تفکرات و محتوای اشعار سهراب آمده است. از مجموع، نود مقاله‌ای که در این دو کتاب گردآوری شده است، مقاله‌ای مختص مباحث دستوری اشعار سهراب سپهری، نوشته نشده بود.

در سال های اخیر نیز مقالاتی در خصوص شعر سهراب نوشته شده است که از آن میان می توان به مقاله " ویژگی های زبانی شعر سهراب " نوشته ، جواد صمدی پور (دانشجوی دکتری دانشگاه رودکی تاجیکستان) به سال ۱۳۹۳ نوشته شده است که در آن به شیوه ای توصیفی و تحلیلی به نوآوری ها و ابداعات سپهری در خلق ترکیبات وصفی و واژه سازی های جدید پرداخته است . مقاله ای دیگر نیز به نام " ویژگی های زبان سپهری " توسط دکتر محمد ریحانی به سال ۱۳۹۱ نوشته شد. در این مقاله ، نویسنده ، ویژگی های کلی اشعار سهراب را از نظر دستوری همچون قیدهای محاوره ای ، صفت های هنری ، بسامد واژگان عربی و فرنگی و افعال مرکب بررسی نموده است . در سال ۱۳۹۵ هم معصومه ذوقی مقاله ای تحت عنوان " فراهنجاری معنایی در اشعار سهراب سپهری " نوشت که در آن هم به صور خیال و آرایه های معنوی شعر سهراب پرداخته شده است .

روش تحقیق و مآخذ ارجاعات ابیات :

این تحقیق پس از مطالعات کتب و مقالات مختلف ، به شیوه ی توصیفی و تحلیلی انجام گرفت و مجموعه ی هشت کتاب سهراب سپهری ، چاپ چهل و هشتم به سال ۱۳۸۷ به عنوان منبع اصلی ، انتخاب گردید. و افعال به کار رفته در این مجموعه ی کامل ، ابتدا استخراج گردیدند ، سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند .

فعل و شعر سهراب :

(فعل کلمه ای است که به تنهایی یا به یاری وابسته هایی در یکی از زمان های سه گانه ، بر واقع شدن امری دلالت می کند و امریست که به امر دیگر اسناد داده می شود .) (فرشید ورد ، ۱۳۸۳ : ۷۳) فعل در واقع به عنوان یک عنصر فعال در جمله ، نقش های چندگانه ای را ایفا می کند ، از یک جهت به مباحث دستوری و زبان شناسی مربوط است و از سوی دیگر با مسائل معنا شناسی و زیبا شناختی در ارتباط است . فعل همانگونه که در نثر ، مهم ترین و کلیدی ترین رکن جمله است ، در شعر هم که به عنوان یک زبان فراهنجار است ، فعل تمام بارمعنایی شعر را بر دوش می گیرد و از مباحث دستوری فراتر می رود و با ایفای کارکردهای مختلف ، رسالتش را در پیام رسانی ، به نحو احسن انجام می دهد. فعل در شعر بین اثر هنری و مخاطبش رمزگونه پدیدار می شود و خواننده را به کشف و تحلیل معانی جدید رهنمون می سازد .

سهراب سپهری شاعری بود که فعل را می شناخت . فعل ها در شعرش ، ساده و گویا هستند. ازین رو شعرش زلال و روشن و است . زبانی که سهراب برای بیان اندیشه هایش به کار می برد ، ورای زبان دیگران است و به نوعی به استقلال زبانی رسیده است. شعر سهراب شعری پرتصویر و پر محتوا است ، فعل ها در جای جای شعرش به بهترین صورت خود نمایی می کنند و مرزها را در هم می نوردند. (ویژگی برجسته ی اشعار سهراب ، خلوت او با اشیا و عبور از کلمه ها و واژه ها است . زبان و کلماتش مرز بین انسان و شی است .) (سیاهپوش ، ۱۳۷۸ : ۱۴۳) زبان شعری سهراب ، از منطق عادی شعر قدیم فاصله می گیرد، او با کلمات دنیایی متفاوت می آفریند. در این میان ، افعال در شعرش جایگاهی خاص دارند.

وی در از اشعارش علاوه بر فعل های امروزی از شکل های کهن فعل (فارسی باستان و فارسی میانه) نیز بسیار بهره برده است . همانند " بمان تا شنونده ی آسمان ها شویم / بدرآ ، بی خدایی مرا بیابان / محراب بی آغازم شو . "

(سپهری ، ۱۳۸۷ : ۱۹۶) و در بسیاری از موارد هم از شکل صفت مفعولی واژگان به جای فعل به کار برده است. " رخنه ای نیست در این تاریکی / در و دیوار بهم پیوسته / سایه ای لغزد اگر روی زمین / نقش و همی است زبندی رسته .

(همان : ۱۲) گاهی نیز خودش با واژگان خاص، فعل می سازد که در هیچ اثر مکتوبی تا به آن زمان کاربرد نداشته است. " چلچله می چرخد / گردش ماهی آب را می شیارد / فواره می جهد و لحظه من پر می شود. " (همان : ۱۸۹). این افعال خاص و دیگر فعل هایی که در شعر سهراب به کار رفته اند ، علاوه بر اهمیت شکل دستوری ، از لحاظ معنایی و زیباشناختی نیز ، حائز اهمیت هستند . به عبارتی افعال در اشعار سهراب ، کارکرد های مختلفی دارند که در ادامه به شرح آن می پردازیم .

۱) کارکرد دستوری و ساختاری

دستورنویسان ، فعل را به سه گروه اصلی (ساده ، پیشوندی ، مرکب) تقسیم کرده اند. سهراب سپهری از هر سه نوع این افعال در شعرش استفاده نموده است .

الف) فعل ساده :

از دیدگاه دستور نویسان ، فعل ساده به افعالی گفته می شود که از یک ماده حاصل شده است و اجزایش قابل تفکیک نیست. به عبارتی دیگر (فعل های ساده ، فعل هایی هستند که بن مضارع آن ها یک تکواژ است .) (انوری ، ۱۳۸۵ : ۲۶) آنچه که ما امروزه به عنوان فعل ساده می شناسیم ، در دوره های اولیه زبان فارسی ، ساده نبوده اند و اجزای آن قابل انفکاک بوده اند. فعل های امروزی همانند (آمدن ، آوردن ، اندیشیدن ، پیراستن ، نوشتن و ...) که از دیدگاه صاحب نظران ساده نامیده می شوند ، به اعتبار صورتی که در فارسی دری پیدا نموده اند ، به عنوان فعل ساده شناخته شده اند .

به عنوان نمونه فعل " آمدن " که در فارسی امروزه ساده است در گذشته، مرکب بوده است . در فارسی باستان (آمدن مرکب بود از " *a + gam* " و یا نوشتن مرکب بود از " *ni + pais* " . در دوره ی فارسی میانه این اجزا با فعل در هم پیوسته شدند، به نحوی که امروزه ، جزئی از کلمه به شمار می روند .) (ناتل خانلری ، ۱۳۹۵ ، ج ۲ : ۱۱۷-۱۱۶) بدین ترتیب شمار فعل های ساده به مفهوم امروزی ، که از گذشته به مارسیده است ، بسیار اندک است و از این تعداد اندک هم ، برخی در حال از بین رفتن هستند و جای خود را به فعل های مرکب داده اند .

فعل های ساده ، بسامد بالایی در شعر سهراب سپهری دارند . وی هم از شکل امروزی فعل ساده و هم از شکل کهن آن بسیار بهره برده است .

" برتن دیوارها طرح شکست / کس دگر رنگی در این سامان ندید / چشم می دوزد خیال روز و شب / از درون دل به تصویر امید. صبح می خندد به راه شهر من / دود می خیزد هنوز از خلوتم . " (سپهری ، ۱۳۸۷ : ۱۶)

" روز و شب ها رفت / من بجا ماندم در این سو ، شسته دیگر دست از کارم . / نه مرا حسرت به رگ ها می دوانید آرزویی خوش / نقش های تیره می انگیخت . (همان : ۵۲)

علاوه بر این نمونه افعال ساده امروزی و صدها نمونه ی دیگر، از شکل کهن افعال (شکل ساده ی فعل مضارع و فعل ماضی) هم ، بسیار در اشعار سهراب وجود دارد.

" بدرآ و بی خدایی مرا بیاگن / محراب بی آغازم شو / نزدیک آی / تا من سراسر من شوم . (همان / ۱۹۶) "

" از جمله افعال کهنی است که سهراب در شعرش استفاده نموده است .
" نقش هایی که کشیدم در روز / شب ز راه آمد و با دود اندود / طرح هایی که فکندم در شب / روز پیدا شد و با پنبه زدود .

جنبشی نیست در این خاموشی / دست ها و پاها در قیر شب است . (همان / ۱۲)
" درد را با لذت آمیزد / در تپش هایت فرو ریزد / نقش های رفته را باز آورد با خود غبارآلود . (همان / ۳۵)

فعل هایی همانند (اندود ، زدود ، آمیزد) شکل های ساده فعل مضارع هستند . و فعل (فکندم) هم شکل ساده ی فعل ماضی است که اکنون کاربرد ی در زبان معیار ندارند و فقط در زبان ادبی به کار می روند .
بکارگیری صفت مفعولی در جایگاه فعلی نیز ، بسیار در اشعار سهراب رواج دارد . " شب سردی است و من افسرده / راه دوری است و پای خسته . تیرگی هست و چراغی مرده . " (همان : ۳۰)
سهراب سپهری با استفاده بسیار از افعال ساده ، چه در شکل امروزی و چه در شکل کهن و یا .. به گونه ای به برجستگی سازی زبان و روانی شعر پرداخته است . چراکه استفاده از افعال ساده ، چه در نوشته های نثر و یا نظم باعث می شود که تعداد افعال در متن ، بیشتر شود ، نوشته ها روان تر شوند و عبارات برجسته تر گردند و این موارد خود باعث می شود ، زبان نوشتاری این نوع متون ، از هنجارهای زبان معیار فاصله گرفته شود .

ب) افعال پیشوندی :

فعل های پیشوندی ، فعل هایی هستند که از یک پیشوند و یک فعل ساخته می شوند . به عبارتی (افعال پیشوندی ، حاصل یک فعل بسیط و یک پیشوند هستند . این پیشوندها در گذشته قید بوده ، ولی در زبان معاصر چنین نقشی ندارند و معنی اصلی آنها کماوبیش در فعل های پیشوندی ، کمرنگ شده است .) (لازار ، ۱۳۸۴ : ۳۲۳) در زبان های ایرانی باستان ، و فارسی میانه ، فعل پیشوندی رواج داشت . اما پیشوندهایی که در آن دوره های تاریخی به کار می رفتند ، با پیشوندهای کنونی متفاوت بوده است . (متروک شدن پیشوندهای کهن ، موجب شد که زبان به پیشوندهای تازه ای محتاج شود و در فارسی میانه پیشوندهای جدیدی به کار رفت و از آنجا به فارسی دری انتقال یافت .) (نائل خانلری ، ۱۳۹۵ ، ج ۲ : ۱۲۰) . مهم ترین پیشوندهایی که با آن فعل پیشوندی می سازند ، عبارتند از " بر ، در ، اندر ، باز ، وا ، فرا ، فراز ، فرو ، فرود ، ور و " اغلب فعل های ساده که پیشوند می پذیرند ، معانی خاص و مستقلاً پیدا می کنند .

مشکوه الدینی در باب افعال پیشوندی دیدگاه متفاوتی دارد . او عقیده دارد که (فعل های پیشوندی زیر مجموعه ی فعل های پیوندی هستند و از لحاظ ساختی ، برخی فعل ها الزاماً به همراه یکی از سازه های واژه ی پیشوند ، واژه یا گروه پایه و یا فعل به کار می رود . براین پایه ، فعل های پیشوندی از دسته فعل های پیوندی است .) (مشکوه الدینی ، ۱۳۸۴ : ۸۶) کارکرد پیشوندهای فعلی متفاوت است . پاره ای از پیشوندها ، حکم قید را برای فعل دارد . همانند پیشوندهای (فرود و فرا و فرو) که به نوعی سمت و جهت را می نمایانند و بیانگر مفاهیمی چون پایین ، بالا ، پس ، پیش و ... هستند . بعضی برای تقویت معنای فعل و تاکید در آن است . مثل پیشوندهای (در ، بر ، ب و ..) که در فعل ایجاد تقویت می کند . تعداد دیگری از پیشوندها به فعل معنا و مفهوم تازه ای می بخشند و تعداد این نوع پیشوندها نسبت به دیگر پیشوندها ، کم هستند و کاربرد کمتری

دارند. این پیشوندهای معناساز همانند (باز ، بر ، وا ، در و ...) ، مفهوم تازه ای به فعل می بخشند. در ادامه به نمونه هایی از افعال پیشوندی شعر سهراب سپهری می پردازیم.

" تا بدین منزل نهادم پای را / از درای کاروان بگسسته ام . (سپهری ، ۱۳۸۷ : ۱۵)

" بانگ زد بر من ، مرا پنداشتی مرده / وبه خاک روزهای رفته بسپرده . درد را با لذت آمیزد / در تپش هایت فرو ریزد .

نقش های رفته را باز آورد با خود غبارآلود / مرده لب بربسته بود. " (همان / ۳۷)

" این دوامی که درون رگ من ریخته زهر / وا رهاينده از اندیشه ی من رشته ی حال . " (همان / ۴۶)
 بررسی افعال پیشوندی اشعار سهراب، بیانگر این است که ، هدف عمده وی در کاربرد افعال پیشوندی ، تقویت معنای فعل و تاکید در آن است.

ج (فعل مرکب :

در باب فعل مرکب ، دستور نویسان به نظر مشترکی رسیده اند و یک مفهوم واحد را با بیان های مختلف ارائه نموده اند. (فعل مرکب ، فعل هایی هستند که از یک کلمه ، که آن را فعلیاری می نامند، با یک فعل ساده که همکرد نامیده می شود، ساخته می شوند. و مجموعاً معنی واحدی را می رسانند.) (انوری ، ۱۳۸۵ : ۲۷)

فعل مرکب از دیدگاه خیام پور ، (فعل مرکب ، فعلی است متشکل از فعلی بسیط با یک پیشاوند، یا از یک اسم با فعلی در حکم پساوند . به عبارت دیگر فعلی است متشکل از دو لفظ دارای یک مفهوم .) (خیامپور ، ۱۳۹۲ : ۶۹) دکتر پرویز ناتل خانلری هم در کتاب تاریخ زبان فارسی در جلد دوم ، به طور مفصل به بحث فعل مرکب می پردازد.

(اصطلاح فعل مرکب را به افعالی اطلاق می کنیم که از دو کلمه ی مستقل ترکیب یافته اند . کلمه ی اول اسم یا صفت است و تغییر نمی پذیرد ، یعنی صرف نمی شود. کلمه ی دوم ، فعلی است که صرف می شود و آن را همکرد می خوانیم . (ناتل خانلری ، ۱۳۹۵ ، ج ۲ : ۱۲۵)

خانلری در ادامه به برشمردن همکردهای رایج فعل مرکب می پردازد . مهم ترین همکردهای فعل مرکب عبارتند از (کردن ، شدن ، گشتن ، دادن ، گردیدن ، بردن ، داشتن ، رفتن ، زدن ، یافتن ، خواستن ، آوردن ، نهادن ، دیدن ، پیوستن و.....) . باتوجه به تعاریف فوق در باره ی فعل مرکب ، به طور خلاصه می توان فعل را مرکب را فعلی دانست که از دو جزء تشکیل شده است و بین دو جزء آن نتوان حرفی را اضافه نمود. به عنوان مثال ، عبارت دیوار ساختن فعل مرکب نیست ، زیرا بین " دیوار " و " ساختن " می توان از حرف " را " استفاده نمود ، اما عبارت " خراب ساختن " فعل مرکب است و نمی توان بین آنها حرفی را اضافه نمود. فعل مرکب از اوایل قرن هفتم هجری به بعد، رواج بیشتری یافت. بررسی افعال زبان فارسی امروز ، نشان دهنده ی آن است که ، امروزه به ساخت فعل های مرکب گرایش بیشتری وجود دارد و دستور نویسان ، استفاده از فعل های ساده را به جای فعل های مرکب ، تجویز می نمایند و عقیده دارند که فعل های ساده ، باید جایگزین فعل های مرکب شوند. زیرا (فعل های مرکب در فرآیند واژه سازی عقیم هستند، اما از فعل های ساده ، می توان واژه های تازه ای ساخت که به زایایی زبان کمک می کند.) (دادفر ، ۱۳۹۱ : ۸۶) در دیوان اشعار سهراب سپهری هم به افعال مرکب بسیاری برمی خوریم که، بنابر ضرورت شعری، به شکل های مختلفی آمده است . در برخی از اشعارش ، گاهی بین فعل و همکردش ، فاصله افتاده است . همانند : " ره به درون می برد حکایت این مرغ / آنچه نیاید به دل ، خیال فریب است / دارد با شهرهای گمشده پیوند / مرغ

معما در این دیار غریب است. " (سپهری ، ۱۳۸۷ : ۲۲) فعل مرکب در این عبارت ، (ره بردن) و (پیوند دارد) است که جهت رعایت وزن شعری ، دو جزء فعل با فاصله آمده اند.

در برخی موارد دیگر هم ، به همین جهت ، جای فعل و همکردش را جابجا می نماید. و به نوعی فعل مرکب مقلوب می سازد. " لیک آن لحظه که ناخن های دست آشنای راز / رفت تا بر تخته سنگی کارکندن را کند آغاز. " (همان : ۶۱) فعل مرکب (آغاز کند) می باشد. در نمونه ای دیگر " فرصتی از کف رفت / قصه ای گشت تمام . (همان : ۴۶) فعل مرکب در این عبارت (تمام گشت) است. علاوه بر این ، سهراب در جاهای دیگری از اشعارش ، فعل مرکب را بدون هیچ تغییری و بصورت متداول استفاده می کند. " آهسته خوابم کرد / آهنگ مرغ مهتاب و گل های چشم پشیمانی را پرپر می کنم . " (همان : ۷۸)

همانگونه که در صفحات قبل گفته شد ، بسامد بکارگیری افعال ساده نسبت به افعال مرکب، در شعر سپهری بسیار است و در بعضی از موارد ، سهراب سپهری در جهت برجسته سازی زبانش ، و گریز از هنجارهای ادبی، به جای استفاده از فعل مرکب ، فعل ساده را بکار برده و گاهی هم حتی ، فعل ساده ، ساخته است. در اینجا مبحث کارکرد ساختاری و دستوری را به پایان می بریم و در ادامه به کارکردهای معنایی و نحوی و سپس زیباشناختی می پردازیم.

۴- کارکرد معنایی و نحوی افعال :

توجه به ویژگی های معنایی و نحوی افعال ، در میان دستور نویسان ، نخستین بار مورد توجه ناتل خانلری قرار گرفت. وی برای این کارکرد معنایی و نحوی افعال ، اصطلاح " وجه " را بکار می برد . (وجه فعل به شیوه ای از استعمال فعل اطلاق می شود که به وسیله ی آن گوینده ، وضع خود را نسبت به جریان فعل بیان می کند. به عبارتی دیگر طریقه ای که جریان فعل از طرف گوینده ، نقل می شود، برحسب آن که از وقوع فعلی خبر بدهد و یا قصد خود را به انجام دادن ، یا میل به انجام یافتن ، فعلی را بیان کند .) (ناتل خانلری ، ۱۳۹۵ ، ج ۲ : ۱۹۸) وی بر این اساس وجوه مختلفی را همانند " اخباری ، امری ، التزامی ، شرطی ، تمنائی ، خیال " برای افعال برمی شمارد .

پس از وی این مبحث ، به دستور زبان فارسی راه یافت . در سال های اخیر اصطلاحات گوناگونی برای این کارکرد فعلی در کتاب های دستور زبان و مقالات مختلف ، ارائه شد. از آن میان می توان به اصطلاح " نمود " اشاره کرد. (در ابتدا ، این اصطلاح به سال ۱۳۶۳ مورد توجه سیمین دخت جهان پناه قرار گرفت و پس از آن به آثار دستورنویسانی چون " انوری ، احمدی گیوی ، وحیدیان کامیار و عمرانی " راه پیدا کرد .) (مجیدی ، ۱۳۸۸ : ۱۴۷)

(نمود از ویژگی های بارز ساختمان زبان های هند. و اروپایی است و شامل مجموعه ای از نگرش های گوناگون ، به ظرفیت های درونی فعل در انتقال مفهوم زمان است.) (همان : ۱۴۶) با توجه به این کارکرد خاص فعل ، وی افعال را به انواع فعل (لحظه ای ، تداومی ، نمودی ، نمودی آغازی ، نمودی مرکب ، نمودی صرفی و.....) تقسیم بندی می نماید.

در یک تقسیم بندی دیگر ، از کارکرد معنایی و نحوی افعال در زبان فارسی امروزی ، توجه به تاثیر نوع افعال در تشریح و توصیف آرا و اندیشه های نویسندگان و شاعران است . این نوع از کارکرد فعل ، بیشتر در متون نثر ادبی و اشعار نو ، قابل بررسی می باشد . (فعل در این کارکرد، به عنوان هسته ی یک رویداد، مجموعه ای از رخدادها و کنش ها را توصیف و تشریح می نماید، و به عنوان یک عنصر فعال روایی ، هم کار می کند و هم

بازی . واژه ها خیز برمی دارند و فعل از همه شان پیچیده تر و طنازتر می شود و صدایش از دیگر واژه ها بیشتر به گوش می رسد.) (سلطانی ، ۱۳۹۳ : ۷۳)

فعل ها در این نقش نحوی یک تقسیم بندی کلی و یک تقسیم بندی جزئی دارند. در تقسیم بندی کلی ، به دو گروه اصلی تقسیم می شوند . گروهی از این فعل ها ، پیامی خاص با زبانی روشن و به دور از هرگونه پیچیدگی ، بیان می کنند. در این گونه ، فعل ها جنبه ی ابزاری دارند و در متون ترجمه ای ، علمی ، تاریخی و ... ایفای نقش می کنند. گروهی دیگر ، فعل ها با رویکردی توصیفی و ادبی، طنازانه در متن های ادبی خودنمایی می کنند و رسالت معنایی خویش را به بهترین صورت ، به انجام می رسانند. این نوع فعل ها را ما اغلب در نظم و نثرهای ادبی مشاهده می نمایم .

(در تقسیم بندی جزئی ، فعل ها به انواعی چون (فعل های توانستن ، بایستن ، سعی داشتن ، کسب کردن ، موفق شدن ، تعجیل داشتن ، شروع کردن ، تمام کردن ، وانمود کردن ، مشاهده کردن ، فهمیدن ، تعریف کردن ، شرح دادن ، انتظار داشتن ، دوست داشتن و ...) تقسیم می شوند . (همان : ۸۰-۷۹) فعل ها در این نوع معانی خاص که ذکر شد ، همانند یک پل ارتباطی ، میان نویسنده و مخاطب قرار می گیرند و مخاطب ، به طور مستقیم ، تجربه های نویسنده را تجربه می کند و با غمها و شادی های نویسنده ، همراه می شود.

سهراب سپهری از جمله ی شاعرانی است که مخاطب را با خود همراه می کند و او را در مشاهداتش شریک می نماید . شعر سهراب ، روایت زندگی اوست . از این رو افعالی که برای سروده هایش برمی گزیند ، اغلب تعریفی ، توصیفی و مشاهده ای است که در ادامه به نمونه هایی از آن اشاره می نمایم . در ابتدا به افعال توصیفی و تعریفی می پردازیم.

" روشن است آتش درون شب / وز پس دودش / طرحی از ویرانه های دور . دیرگاهی ماند اجاقم سرد / و چراغم بی نصیب از نور .

خواب دربان را به راهی برد / بی صدا آمد کسی از در / در سیاهی آتشی افروخت / بی خیراما / که نگاهی در تماشا سوخت .

ریخته سرخ غروب / جابجا بر سر سنگ / کوه خاموش است / می خروشد رود / مانده در دامن دشت / خرمنی رنگ کبود .

جغد برکنگره ها می خواند / لاشخورها سنگین / از هوا تک تک آیند فرود .

شاخه ها پژمرده است / سنگ ها افسرده است / رود می نالد / غم بیامیخته با رنگ غروب . " (سپهری ، ۱۳۸۷ : ۲۹-۲۳)

در این نمونه های شعری که آورده شده فعل ها معنایی توصیفی و تعریفی دارند و سهراب از فعل " است " که مهم ترین فعل در بیان " وضع موجود " و توصیف " فضای حال " می باشد ، بیشترین استفاده را نموده است . وی دیگر افعال رانیز همانند " ماند ، برد ، سوخت ، می خواند ، می نالد و ... برای تعریف وضع موجود به کار برده است .

از دیگر افعالی که وی بیشترین بهره را از آن برده است ، افعال مشاهده ای است . وی با بکاربردن این نوع افعال ، مخاطب را در تجربیاتش سهیم می کند ، به گونه ای که هنوز بعد از سالیانی چند ، خواننده با وی هم ذات پنداری می نماید .

" چیزها دیدم در روی زمین / کودکی دیدم ماه را بو می کرد / قفسی بی در دیدم که در آن روشنی پرپر می زد. بره ای را دیدم بادبادک می خورد. من قطاری دیدم روشنایی می برد (همان / ۲۷۹-۲۷۷)

" مردمان را دیدم / شهرها را دیدم / دشت ها را ، کوه ها را دیدم / آب را دیدم ، خاک را دیدم . / نور و ظلمت را دیدم.

راه می بینم در ظلمت ، من پر از فانوسم . / من پر از نورم و شن / و پر از دارو درخت . " (همان / ۲۸۵)

" از پنجره ، غروب را به دیوار کودکی ام تماشا می کنم . بیهوده بود ، بیهوده بود . " (همان / ۱۳۹)

" بیا با هم از حالت سنگ چیزی بفهمیم / بیا زودتر چیزها را ببینیم . " (همان / ۳۹۵)

۵- کارکرد زیبا شناختی فعل :

کارکرد زیباشناختی فعل از دیر باز مورد توجه شاعران و نویسندگان بوده است ، و در سال های اخیر نیز مورد بحث دستورنویسان قرار گرفته شده است. با توجه به اهمیتی که فعل در عبارت ایفا می نماید، " تقدم یا تاخر " و " حضور یا غیاب " آن ، و به طور کلی جایگاه آن در جمله در کارکرد زیباشناختی بسیار حائز اهمیت است .

(جایجایی فعل در شعر، پدیده ای شگفت نیست . چراکه شاعر بنا بر اقتضای وزن و قافیه ، ارکان آن را جایجا می کند. اما اگر سخن از شاعران بزرگ باشد، تغییر جای افعال در شعر ، دیگر به اقتضای وزن و قافیه ، تعبیر نمی شود ، بلکه این جایجایی به اختیارشاعر بوده است . شاعری همانند فردوسی بنا بر فضای شعرش که حماسی است ، فعل را مقدم می کند، تا به روایتش سرعت ببخشد. و یا حافظ در غزلی ، (غزل ۳۰۹) شش بیت را بدون فعل می آورد تا ماجرای را بازگو کند. (سلطانی ، ۱۳۹۳ : ۸۹-۸۶)

فعل وقتی در ابتدای جمله قرار می گیرد ، نقش مهمی را در آن جمله ایفا می نماید و این گونه جملات ، خواننده را برمی انگیزاند ، چراکه آغازی قوی دارند. این گونه سبک نوشتاری ، جنبه ای هنری دارد و در آثار ادبی مورد استفاده قرار می گیرند. شعرهایی که امروزه به نام شعر سپید رواج دارند ، در واقع نثرهای موزونی هستند که ارکان جمله در آن جایجا شده اند ، بدون هیچ گونه تفنن و یا زیبایی خاص . اما در اشعار سهراب ، ما شاهد هنرنمایی شاعر هستیم که به شکل های مختلف ، فعل را تقدم و یا تاخر نموده و در مواردی هم ابیات را بدون فعل ، آورده است . در ادامه به نمونه هایی از این ، کارکردهای زیباشناختی افعال در شعر سهراب اشاره می نمایم .

تکرار فعل های همسان :

" بام نگه بالا بود / می بویید . گل وا بود . بوییدن بی ما بود . زیبا بود / تنهایی ، تنها بود / ناپیدا ، پیدا بود / او آنجا ، آنجا بود. " (سپهری ، ۱۳۷۸ : ۲۲۰)

تکرار فعل های غیر همسان :

من دودم / می پیچم ، می لغزم ، نابودم / می سوزم ، می سوزم ، فانوس تمنایم . گل کن تو مرا و درآ. (همان : ۲۳۸)

آوردن فعل در آغاز مصراع ها :

" می کنم ، تنها ، از جاده عبور / دور ماندند زمن آدم ها / غمی افزود مرا برغم ها . نیست رنگی که بگوید با من / اندکی صبر، سحر نزدیک است . " (همان : ۳۱)

آوردن فعل در آخر مصراع ها :

" شاخه ها پژمرده است / سنگ ها افسرده است / رود می نالد / جغد می خواند. " (همان : ۲۹)

آوردن مصراع های متوالی بدون فعل :

" ای ورزش شور / ای شدیدترین شکل / سایه ی لیوان آب را / تا عطش این صداقت متلاشی / راهنمایی کن .
(همان : ۴۱۳) " ای در خور اوج / آواز تودر کوه سحر / و گیاهی به نماز . " (همان : ۲۶۳)

۶- نتیجه ی سخن :

سهراب سپهری شاعری است ، برخوردار از یک نظام فکری اندیشمند. شعرش رستاخیز واژه های ساده است ، عباراتش روشن و صمیمی اند . سبک نوشتارش ، پل ارتباطی میان زبان گذشته و حال است . فعل در شعر سپهری جایگاه ویژه ای دارد و از نظر کارکردهای سه گانه فعل ، قابل بررسی است .

اولین کارکرد ، ساختاری و دستوری است . در این کارکرد ، فعل ها به ساده ، پیشوندی و مرکب تقسیم می شوند. فعل های ساده در دیوان شعر او ، بسامد بالایی دارند، و به شکل های مختلف آن ها را به کار برده است . وی هم از صورت امروزی فعل ساده و هم از (شکل کهن) بن مضارع ساده (بدون نشانه ی مضارع) وصفت مفعولی بهره برده است . سهراب با استفاده ی فراوان از فعل ساده ، به نوعی شعرش را برجسته کرده و به زبانش ، روانی بخشیده است . فعل های پیشوندی هم در شعر سهراب جایگاه خاصی دارند . هدف عمده ی سهراب از آوردن فعل های پیشوندی ، تقویت معنای فعل ، و تاکید در آن است . فعل های مرکبی که سهراب از آنها استفاده نموده است ، بنا بر ضرورت شعری و ایجاد وزن، بین فعل و همکردش فاصله انداخته است.

کارکرد دوم ، معنایی و نحوی است. برای این کارکرد در ابتدای پیدایش آن اصطلاح " وجه " را به کار می بردند و امروزه نیز اصطلاح " نمود " را استفاده می نمایند . علاوه براین ، افعال از این دیدگاه ، به افعال توصیفی ، مشاهده ای، تعریفی ، تعجیلی و ... نیز تقسیم می شوند. در دیوان اشعار سپهری ، افعال توصیفی ، مشاهده ای و تعریفی نسبت به دیگر افعال ، بسامد بالایی دارد . بدین ترتیب شعرش حالت روایت گونه یافته است و مخاطب را در مشاهداتش ، شریک نموده است.

سومین کارکرد فعل در زبان فارسی ، زیبا شناختی آن است . این کارکرد با جایگاه فعل در جمله ارتباط دارد. " تقدم یا تاخر " و " حضور و غیاب " فعل ها در عبارات، اگر آگاهانه و اختیاری باشد ، جنبه ی هنری پیدا می کند و جزو مباحث زیبا شناختی قرار می گیرد. سهراب هم در شعرش گاهی با تکرار فعل های همسان و گاهی با تقدم فعل و گاهی نیز با آوردن مصراع های متوالی بدون فعل ، هنرنمایی نموده است و از این لحاظ هم ، زیبایی خاصی به اشعارش بخشیده است.

منابع :

- ۱- ابوالقاسمی ، محسن ، دستور زبان فارسی ، چاپ یازدهم ، تهران ، انتشارات سمت ، ۱۳۹۳ .
- ۲- انوری ، حسن ؛ احمدی گیوی ، حسن ، دستور زبان فارسی ۲ (ویرایش چهارم) ، چاپ چهارم ، تهران ، انتشارات فاطمی ، تهران ، ۱۳۹۳ .
- ۳- باطنی ، محمدرضا ، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی ، چاپ دوازدهم ، تهران ، انتشارات امیرکبیر ، ۱۳۸۰ .
- ۴- خیامپور ، ع ، دستور زبان فارسی ، چاپ شانزدهم ، تبریز ، انتشارات ستوده ، ۱۳۹۲ .
- ۵- دادفر ، مجید ؛ سلمانی ، حمیدرضا ، " بررسی دیدگاه باطنی در مورد فعل ساده و فعل مرکب در زبان فارسی " فصلنامه پژوهش های ادبی ، شماره چهارم ، صص ۷۹-۹۱ ، زمستان ۱۳۹۰ .
- ۶- سارلی ، ناصرقلی ، زبان فارسی معیار ، چاپ اول ، تهران ، انتشارات هرمس ، ۱۳۸۷ .

- ۷- سپهری ، سهراب ، هشت کتاب ، چاپ چهل و ششم ، تهران ، انتشارات طهوری ، ۱۳۸۷ .
- ۸- سلطانی ، منظر ؛ بنی فاطمی ، علی ، " شگردهای فعل در روایت " فصلنامه پژوهش های ادبی سال یازدهم ، شماره ۴۴ ، صص ، ۷۱-۱۰۴ ، تابستان ۱۳۹۳ .
- ۹- سیاهپوش ، حمید ، باغ تنهایی (یادنامه سهراب سپهری) ، چاپ هفتم ، تهران ، انتشارات نگاه ، ۱۳۷۸ .
- ۱۰- عابدی ، کامیار ، از مصاحبت آفتاب ، چاپ اول ، تهران ، نشر روایت ، ۱۳۷۵ .
- ۱۱- فرشید ورد ، خسرو ، فعل و گروه فعلی و تحول آن در زبان فارسی ، چاپ اول ، تهران ، انتشارات سروش ، ۱۳۸۳ .
- ۱۲- لازار ، ژیلبر ، دستور زبان فارسی ، ترجمه مهستی بحرینی ، چاپ اول ، تهران ، انتشارات هرمس ، ۱۳۸۴ .
- ۱۳- مجیدی ، مریم ، " جلوه ها و کارکرد نمودهای فعل در زبان فارسی " فصلنامه علمی پژوهشی ، شماره پانزدهم ، صص ۱۵۸-۱۴۵ ، زمستان ۱۳۸۸ .
- ۱۴- مرادی کوچی ، شهناز ، معرفی و شناخت سهراب سپهری ، چاپ اول ، تهران ، نشر قطره ، ۱۳۸۰ .
- ۱۵- مشکوه الدینی ، مهدی ، دستور زبان فارسی ، (واژگان و پیوندهای ساختی) ، چاپ اول ، تهران ، انتشارات سمت ، ۱۳۸۴ .
- ۱۶- ناتل خانلری ، پرویز ، تاریخ زبان فارسی ، چاپ دهم ، تهران ، نشر نو ، ۱۳۹۵ .
- ۱۷- وزیرنیا ، سیما ، ایراندوست ، غزال ، زیر سپهر آبی سهراب ، چاپ اول ، تهران ، نشر قطره ، ۱۳۷۹ .

